

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و هشتاد و هفت - نیمسال اول

مقالات

- بهینه‌سازی قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت ایران
- قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت: زمینه و دورنما در برداشتی حقوقی
- موارد عدم تعهد بیمه‌گر در بیمه‌های اشخاص
- جرم‌انگاری انکار هولوکاست: مطابق یا مغایر حقوق بشر؟
- حوادث اتمی و اصول مسؤلیت مدنی
- قاعده منع توسل به زور پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی

موضوع ویژه: حمایت حقوقی از اشخاص دارای معلولیت

- تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر
- تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان
- حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی
- سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت
- حمایت از اشخاص دارای معلولیت در درگیری‌های مسلحانه
- نگاهی به حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت در جامعه اروپا
- بازداشتگاه مناسب برای معلولان زندانی از منظر دیوان اروپایی حقوق بشر

نقد: لایحه قانون مجازات اسلامی

- آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری
- جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات
- مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در لایحه قانون مجازات اسلامی
- واکاوی لزوم استیذان در قصاص





http://jlr.sdil.ac.ir/article_43985.html

مجله پژوهشهای حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۳، بهار - تابستان ۱۳۸۷
صفحات ۳۰۵ الی ۳۱۳، تاریخ وصول: ۱۳۸۷/۶/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۶/۱۴

آسیب‌شناسی لایحه قانون مجازات اسلامی از منظر عقلانیت گفتاری

قاسم محمدی*

چکیده: متون قانونی به عنوان پدیده‌ای زبانی می‌توانند از نظر چگونگی افاده مفاهیم ارزیابی شوند. لایحه قانون مجازات اسلامی در سنجش بر مبنای مؤلفه‌های این حوزه از معرفت انسانی که آن را عقلانیت گفتاری نامیده‌اند، دچار آسیبهایی چون ابهام، ضعف بیان و چینش نامناسب... است. شایسته است قانونگذار، گذشته از مباحث و توجیه‌هایی که برای قوانین دارد آنها را به شیوه‌ای خردپذیر نیز تدوین کند که کمترین خطا در نگارش و معناداری آنها مشاهده گردد.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت گفتاری، لایحه قانون مجازات اسلامی

مقدمه

اگر قوانین را از آن جهت که الگویی رفتاری برای مناسبات اجتماعی بشر طراحی می‌کنند در زمره متون دستوری قرار دهیم، بررسی آنها از منظر تعلقشان به حوزه عقل عملی اهمیت می‌یابد، به ویژه قوانین کیفری که ماهیتی کاملاً هنجاری به خود می‌گیرند. قوانین فارغ از آنکه تا چه میزان با اخلاق یا شرع منطبق‌اند باید واجد اوصافی باشند که بتوان آنها را دارای معیارهای لازم برای عقلانی بودن دانست.

عقلانیت در قلمرو عملی آن بیشتر مبتنی بر وجود هدفی درخور و به‌کارگیری ابزاری

* عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

مناسب است.^۱ هدفها باید منطبق بر مصالح باشند و ابزارها مناسب با هدفها. اما این دو نمی‌توانند از توجیه اخلاقی دور افتند؛ چه اخلاقی زیستن لازمه عقلانی زیستن است.^۲ در این میان گفتار به عنوان نوع ویژه‌ای از رفتار انسانی خود تابع مؤلفه‌هایی است که خردپذیری آن را تضمین می‌کنند. بدین ترتیب آنچه می‌توان عقلانیت گفتاری نامید حوزه‌ای از عقلانیت عملی بشر است که معیارهای ساماندهی نوشتار و گفتار را به عنوان مصادیقی از رفتار انسانی به ما گوشزد می‌کند.

اگر عقلانیت در گفتار را انتقال معانی مدنظر خود در بهترین صورت زبانی بدانیم هر سخنی از جهت شیوه‌ای که برای سازماندهی و افاده مفاهیم برمی‌گزیند قابل بررسی است. از این منظر توجه به وجه زبانی قوانین نوعی توجه به کارآمدی آنها نیز خواهد بود. زیرا هر قانونی در کنار تمام وجوهی که می‌تواند از جهت مبنایها، هدفها و ابزارها داشته باشد باید به گونه‌ای عقلانی نیز بیان شده باشد.

یک متن عقلانی باید واجد مؤلفه‌هایی باشد که آنها را در سه محور می‌توان خلاصه کرد:

یک، باید رسا باشد، یعنی از غموض، اجمال، ابهام یا ابهام به دور باشد؛ دو، باید به اندازه باشد، یعنی از کوتاهی و بلندی نامتناسب با معنا آسیب ندیده باشد؛ سه، باید منسجم باشد، یعنی اجزای آن هم اتصالی منطقی داشته باشند هم ناظر به محوری خاص و روشن گرد آمده باشند و از آن محور بیرون نمانند.^۳

لایحه قانون مجازات اسلامی (از این پس: لایحه) که پس از سالها انتظار تدوین مدتی است با تصویب کلیات آن در صف تصویب کامل ایستاده است، هر چند در مقایسه با قوانین دیگر از منظر شیوه تدوین گامی پیش نهاد^۴ اما خود با مشکلاتی نیز دست به گریبان است که در این نوشتار کوتاه برآنیم تا با اشاره‌ای گذرا به برخی آسیبهای تدوین

۱. برای توضیح بیشتر، نک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار: جلد ۸ (درسهای الهیات شفا)، تهران، انتشارات

صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۷، صص ۳۹۸ و ۴۰۷.

۲. درباره ملازمه این دو، نک: مصطفی ملکیان، «عقلانیت ۱»، در:

www.manaviat.blogfa.com/post-81.aspx

۳. برای شناخت مؤلفه‌های عقلانیت عملی، نک: مصطفی ملکیان، «عقلانیت ۲»، در:

www.manaviat.blogfa.com/post-72.aspx

۴. این مسأله را در مواردی مانند شیوه شماره‌گذاری مواد و توجه به قواعد عمومی حدود می‌توان مشاهده کرد.

لایحه (با تمرکز بر باب کلیات)، قانونگذار را به تصویب قانونی بخوانیم که از منظر عقلانیت گفتاری کمترین خطا را داشته باشد.

۱. ابهام

شیوه نگارش لایحه گاه نوعی ابهام را رقم می‌زند. به عنوان نمونه لایحه دربردارنده چندین نوع تقسیم از جرائم و مجازات‌هاست که افزون بر اینکه فایده خاصی را برای بعضی از این تقسیم‌ها نمی‌توان تصویر کرد دادرسی یا حقوقدانی را نیز که متن را بررسی می‌کند سردرگم می‌سازد. در این میان ماده ۳-۱۲۲ موقعیتی ویژه دارد. این ماده تقسیمات گوناگونی را درباره جرائم ارائه می‌دهد و آثاری را برای این تقسیمات برمی‌شمرد اما آنها را بدون هیچ توضیحی به قانونی نامعلوم می‌سپارد این نوع بیان تقسیم چیزی جز افزودن بر سردرگمی‌ها نیست. چون از سویی به صراحت از تأثیر این تقسیمات بر میزان مجازات، تخفیف و زوال محکومیت و کیفیت رسیدگی سخن به میان آمده و از سویی کیفیت و کمیت این آثار مبهم مانده است.

۲. ضعف بیان

در مواردی لایحه از انتقال آنچه در مقام بیان آن است باز می‌ماند و صورتی نارسا و ناروشن به خود می‌گیرد. به نمونه، ماده ۹-۱۲۲ مجازات‌های تعزیری و بازدارنده را «از حیث حق عمومی و یا خصوصی بودن» به دو نوع تقسیم می‌کند اما با رسیدن به تبصره آن روشن می‌شود که نوع سومی از مجازات‌ها نیز وجود دارد.

در ماده ۱-۱۳۴ آمده است: «تعدد جرم به معنای ارتکاب مجدد همان جرم یا تحقق جرم دیگری است قبل از اجرای مجازات» که منظور از این عبارت این است: تعدد جرم به معنای ارتکاب بیش از یک جرم توسط فرد است بدون آنکه در مورد آنها مجازاتی بر او اعمال شده باشد. تعدد می‌تواند ناشی از ارتکاب دوباره یک جرم باشد.

انتخاب عنوان قلمرو اجرای قانون مجازات در مکان برای مبحث دوم فصل اول دقیق به نظر نمی‌رسد. زیرا قلمرو اجرای قانون کیفری با صلاحیت محاکم داخلی پیوند می‌خورد و صلاحیت دادگاهها لزوماً بر مبنای قلمرو سرزمینی (ماده ۱-۱۱۲۱) تعیین

نمی‌شود بلکه چندانکه در لایحه نیز آمده است گاه بر اساس ملیت (۵-۱۱۲) گاه بر اساس تأمین منافع ملی (ماده ۳-۱۱۲) و گاه بر مبنای صلاحیتهای خاص جهانی (۷-۱۱۲) استوار است.^۵

۳. یکسان نبودن اصطلاح‌ها

لایحه گاه واژه‌ای را در دو معنا به کار می‌برد، حال آنکه به کار بردن یک واژه در دو معنای اصطلاحی در متنی واحد دور از دقت است. به عنوان نمونه در باب سوم و چهارم و همچنین مواد ۴-۱۲۱ و ۵-۱۲۱ جنایت در معنای سلب حیات از فرد یا ایراد صدمه بر تمامیت جسمی او به کار رفته است حال آنکه بند الف ماده ۱-۱۲۲ آن را در مورد جرائم بزرگ به کار می‌بندد. بدین ترتیب با توجه به نسبت عموم و خصوص من وجهی که بین این دو کاربرد وجود دارد مخاطب می‌تواند به اشتباه بیافتد.

فصل چهارم از باب اول لایحه به عنوان موانع مسؤولیت کیفری اختصاص یافته است، امری که با عنوان «حدود مسؤولیت جزایی» در قانون فعلی مطرح است. به کار گرفتن این عنوان، بویژه جایگزینی واژه «مانع» به جای «رافع» به عنوان اصطلاح رایج در میان نویسندگان حقوقی می‌تواند ناشی از رویکردی ویژه به مباحث این بخش از قواعد عمومی حقوق کیفری باشد، اما در مواد ۲-۱۴۲ و ۴-۱۴۳ همچنان از رفع مسؤولیت سخن به میان آمده است.

گذشته از نکته فوق لایحه با استفاده از عبارت «مانع» هیچ کمکی به فهم بهتر مباحث این بخش نکرده است. زیرا در ذیل این عنوان هنوز هم تعبیرهایی چون «مبری از مسؤولیت» (۲-۱۴۱)، «رافع مسؤولیت» (۲-۱۴۲)، «جرم محسوب نمی‌شود» (۱-۱۴۴) و «مسئول نیست» (۲-۴۱۳) و «مجازات... نمی‌شود» (۳-۱۴۲) دیده می‌شود که بهتر بود در لایحه به تعیین تکلیف این موارد پرداخته می‌شد. بویژه آنکه عبارات به کار رفته از منظر مبنایی نیز جای بسی گفت‌وگو دارند.

لایحه اغلب از واژه «مجازات» برای اشاره به ضمانت اجراهای حقوق کیفری بهره

۵. در خصوص انواع صلاحیتهای، نک: حسین میرمحمدصادقی، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷.

گرفته اما گاه به استفاده از واژه «کیفر» (۴-۱۲۱) نیز روی آورده است. هر چند به کار گرفتن دو واژه مترادف را نمی‌توان خطا در بیان دانست، اما پسندیده‌تر آن است که قانون از اصطلاح ثابتی در اشاره به یک مفهوم بهره گیرد.

۴. تذکرها و تکرارهای زائد

مبحث اول از فصل اول لایحه، با آنکه هنوز در صدد بیان مفاهیم کلی است اما قیود و ملاحظاتی دارد که با توجه به مواد آتی زائد به نظر می‌رسند. گو اینکه هر یک از مواد لایحه به تنهایی نگارش یافته و بخشی از یک سامانه قواعد نیست. بویژه اینکه برخی از این قیود اساساً در موقعیت مناسبی نیز قرار ندارند. در ماده ۲-۱۱۱ که در مقام تعریف جرم است سخن از شرایط و موانع مسؤولیت رفته است که هم زائد است و هم در جای مناسبی قرار ندارد. همچنین است ورود به مسأله شخصی بودن مسؤولیت کیفری در ماده ۳-۱۱۱، که نوعی شتابزدگی در بیان مطلبی است که بعداً نیز به صورت جداگانه بدان پرداخته شده است.

۵. فرو گذاشتن آنچه بیانش لازم است

ماده ۳-۱۱۱ لایحه برای نخستین بار به صراحت مفهوم «تقصیر» (در معنای عام آن) را در نظام مسؤولیت کیفری به کار بسته است اما به رغم آنکه آن را مبنای مسؤولیت یاد شده معرفی می‌کند بی‌آنکه به تبیین آن یا شمارش ارکان یا شرایط آن پردازد آن را رها می‌کند و در مواد دیگر نیز بدان باز نمی‌گردد.

ماده ۱۰-۱۲۱ برای نخستین بار تشهیر را به ادبیات قانونی کشور وارد کرده است اما تبیین این تأسیس حقوقی که ریشه در فقه دارد بی‌هیچ توضیح روشنی به یک آئین‌نامه حواله داده می‌شود.

در عنوان مبحث دوم از باب اول از «تعویق مجازات» سخن به میان آمده اما با بررسی متن روشن می‌شود آنچه مد نظر لایحه است تعویق تعیین مجازات است. این در حالی است که در عنوان مبحث بعد «تعلیق مجازات» قرار گرفته است که باز منظور از آن چیزی دیگر یعنی تعلیق اجرای مجازات است. فارغ از اینکه به چه قرینه‌ای در هر دو عنوان

حذف اتفاق افتاده است سوالی که پیش می‌آید آن است که چگونه می‌توان از واژه مجازات یک بار تعیین مجازات و بار دیگر اجرای مجازات را فهمید. جالب اینکه قانون فعلی اگرچه به تعویق نپرداخته اما در مقام تعلیق به قید اجرا تصریح دارد.

فصل سوم از باب اول لایحه عنوان حدود مسؤولیت کیفری را به خود گرفته است که در ذیل آن از شروع به جرم، شرکت در جرم، معاونت در جرم و تعدد و تکرار جرم سخن گفته شده است، حال آنکه این عنوان در قانون فعلی درباره آنچه لایحه موانع مسؤولیت کیفری نامیده است به کار رفته بود معلوم نیست این جابه‌جایی معنایی آیا از دقت نظری در مبانی ریشه می‌گیرد یا ترجیحی بلامرجه است؟

۶. چینی نامناسب

در برخی مواد یا مبحثها مشاهده می‌شود که یک ماده در جای مناسبی قرار ندارد یا عنوان یک مبحث با محتوای آن سازگاری ندارد. در عنوان مبحث سوم (از فصل اول - باب اول) آمده است «اقدامات تأمینی، تکمیلی و تبعی» این عبارت را اگر خلاصه شده عبارت «اقدامات تأمینی، اقدامات تکمیلی و اقدامات تبعی بدانیم» که به حذف تکرارها تبدیل به صورت فعلی شده باشد متوجه خطایی در نگارش این عنوان و ساماندهی مباحث ذیل آن می‌شویم و آن اینکه مجازاتهای تکمیلی و تبعی، اقدام تکمیلی و تبعی تلقی شده‌اند و این علاوه بر آنکه خروج از اصطلاح اهل دانش است، این خطا را نیز در ذهن غیرمتخصصان می‌تواند رقم زند که مجازاتهای تکمیلی و تبعی از زمره اقدامات تأمینی و تربیتی اند.

مواد ۱۱۱-۲ و ۱۱۱-۳ هیچ ارتباطی به عنوان مبحثی که در آن قرار گرفته‌اند ندارند. عنوان مبحث «تعریف قانون مجازات است» اما این دو ماده به ترتیب به تعریف جرم و بیان مبنای مسؤولیت کیفری پرداخته‌اند. بهتر بود این مبحث عنوان «تعاریف» را به خود می‌گرفت و تقصیر نیز در آن تعریف می‌شد.

علت قرار گرفتن ماده ۱۲۱-۳ در میان دو ماده پیش و پس از آن مشخص نیست. مواد ۱۲۱-۱ تا ۱۲۱-۶ به بیان اقسام پنجگانه مجازاتها پرداخته است اما در این میان ماده

۶. درباره تفاوت مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی، نک: محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۲، صص ۱۵۷-۱۵۴ و ۱۷۹-۱۷۸.

۳-۱۲۱ جنبه حق‌اللهی و حق‌الناسی مجازات‌ها را به بررسی گذاشته است. این ماده می‌توانست پس از مواد یاد شده یا در جای مناسب دیگری قرار گیرد. ماده ۱-۱۵۲ که مربوط به وجود کیفیات مخففه و صدور حکم به معافیت از کیفر است ارتباطی با عنوان مبحثی که در آن قرار گرفته (مبحث دوم: تعویق مجازات) ندارد. این در حالی است که اساساً کیفیات مخففه نیز با عوامل معافیت از کیفر لزوماً یکسان نیستند. به بیان روشن‌تر هر چند برخی از عوامل معافیت از کیفر می‌تواند از زمره کیفیات مخففه باشد اما وجود کیفیت مخففه هرگز به معنی حضور عامل معافیت از کیفر نیست.^۷

۷. خروج از شیوه قانون‌نویسی

در برخی موارد، لایحه شیوه قانون‌نویسی را رها کرده و به متنی برای آموزش نظریه‌های حقوقی یا بیان مبانی فقهی یا کلامی مواد تبدیل می‌شود. ماده ۳-۱۲۲ که پیشتر از آن سخن گفتیم بیش از آنکه متنی قانونی باشد متنی آموزشی است. قانون باید در بیان هر تقسیم آثار آن را نیز بیان کند اما این ماده تنها تقسیم‌ها را بیان می‌کند و به آثار هر تقسیم اشاره‌ای ندارد.

ماده ۲-۱۲۱ به «تعطیل» حدود اشاره کرده و آن را ممنوع یا ناممکن اعلام می‌کند. گویا گمان رفته است که قضات می‌توانند حدود را تعطیل کنند و لایحه در مقام ختم این منازعه کلامی است.

ماده ۱۲-۱۲۱ بیش از آنکه به ماده‌ای قانونی شبیه باشد به بریده‌ای از یک جزوه درسی شباهت دارد.

۸. ناسازگاری میان مواد

ماده ۱۰-۱۲۱ لایحه در شمارش مجازات‌های تعزیری و بازدارنده ده عنوان را بر می‌شمرد. این ماده هم از منظر جامعیت و هم از منظر مانعیت دچار مشکل است. چندانکه می‌دانیم و در همین لایحه نیز آمده است حبس، تبعید و شلاق از زمره حدود نیز هستند و تعزیری و بازدارنده نامیدن آنها بی‌توجهی به موقعیت حدی آنهاست.

۷. درباره تفاوت کیفیات مخففه و عوامل معافیت از کیفر، نک: محمدعلی اردبیلی، پیشین، صص ۲۱۴-۲۰۰.

بر شمردن اقدامات تأمینی و تربیتی در فهرست مجازات‌ها نیز اشکالی دیگر بر ماده مذکور است. مگر آنکه نویسندگان لایحه به رغم آنچه در دانش حقوق شناخته شده است و همچنین مواد ۱-۱۱۱، ۱-۱۱۳، ۳-۱۱۴ و مبحث سوم فصل اول از همین لایحه، اقدامات تأمینی و تربیتی را در زمره مجازات‌ها بدانند نه در کنار آنها.

در ماده ۲-۱۱۱ آمده است جرم از طرف شخص مسؤول ارتکاب می‌یابد جدای از خطای فاحشی که در مبنای این جمله دیده می‌شود^۸ بر فرض صحت جمله یاد شده در مواد ۲-۱۴۱ و ۲-۱۴۲ عمل طفل و مجنون جرم نامیده شده است و در خصوص طفل ممیز در ماده ۲-۱۴۱ ترتیب و مراقبت نیز بر آن مترتب شده است.

ماده ۱-۱۲۲ به تقسیم‌بندی جرائم به حسب مجازات آنها به جنایت، جنجه و خلاف پرداخته است حال آنکه تبصره ماده مذکور مجازات‌ها را تقسیم شده می‌انگارد و به نام انواع جرائم می‌نامد و می‌گوید: «... اگر مجازاتی با هیچ یک از بندهای سه‌گانه این ماده مطابقت نداشته باشد جنجه محسوب می‌شود».

۹. خطاهای نگارشی و دستوری

لایحه آکنده از خطاهای دستوری و بیانی است به نمونه در بند الف ماده ۱-۱۲۲ در بیان یکی از موارد جرائم بزرگ آمده است: «حبس‌هایی که حداکثر مدت آنها بیش از پنج سال است» در صورتی که به جای قید حداکثر باید قید حداقل آورده شود تا با جرائم متوسط مندرج در بند ب همین ماده تمایزی را نشان دهد.

ماده ۳-۲۲۶ از «تظاهر به خوردن مسکر» توسط غیرمسلمان یاد کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است. منظور از این عبارت به یقین خوردن مسکر در انظار یا اظهار به خوردن آن در جمع بوده است، حال آنکه در فهم عرفی از عبارت فوق آشکارسازی یک عمل فهمیده نمی‌شود بلکه ظاهرسازی کاری که واقع نشده است دانسته می‌شود^۹. همین

۸. درباره خطا بودن قید مذکور، نک: منصور میرسعیدی، *مسئولیت کیفری*، ج ۱، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳؛ همچنین قاسم محمدی، «رشد عقلانی و حقوق جنائی»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۳، صص ۲۳۲-۲۰۱.

۹. نک: حسن انوری، *فرهنگ فشرده سخن (۲ جلدی)*، ج ۱، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۶۲۱، همچنین علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، ج ۵، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم (دوره جدید)، ۱۳۷۷، ص ۶۷۹۱.

خطا در تبصره ماده ۱۷۴ و ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز مشاهده می‌شود. در بند الف ماده ۱-۱۲۲ در توضیح واژه «جنایت»، «جرائم بزرگ» قرار گرفته است که تفاوت این دو واژه از بابت مفرد و جمع بودن پسندیده نیست. همین مسأله در بندهای ب و ج همین ماده در مورد واژه جنحه در برابر جرائم متوسط و خلاف در برابر جرائم کوچک نیز اتفاق افتاده است.

ماده ۱-۱۳۱ لایحه، اصطلاح «شروع در جرم» را به کار گرفته است که با ساخت صحیح زبانی «شروع به جرم» که در عنوان مبحث مربوط و در صدر همین ماده نیز آمده است منطبق نمی‌باشد.

در ماده ۳-۱۲۱ آمده است «مجازات ... بر سه قسم است» با توجه به شیوه گفتاری رایج امروزه بهتر بود از عبارت «مجازاتها ... بر سه قسم‌اند» استفاده شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

لایحه قانون مجازات اسلامی صرف نظر از ملاحظات فقهی که در مبانی و رویکردهای آن می‌توان دانست و به مناسبت به برخی از آنها اشاره شد، در شیوه نگارش مواد و تدوین و تبویب مباحث نیز دچار مشکلاتی است که قامت آن را از پوشیدن ردای قانون کوتاه‌تر نشان می‌دهد. شایسته است نظام قانون‌گذاری کشور بدون شتابزدگی، در تدوین قانونی در خور جامعه‌ای نامدار و فرهیخته که خود را اسوه حداقل بخشی از مردم جهان می‌داند، بکوشد.

پیشنهادی که در این میان به نظر می‌رسد آن است که به جای نوشتن قوانین جدید و بستن پرونده تمام نقدها، تجربه‌ها و رویه‌هایی که در مورد قوانین جاری موجود است، قوانین موجود به اتکای همین گنجینه، اصلاح و روزآمد شوند. احترام به تجربه‌ها و نقدها حداقل انتظاری است که در جامعه‌ای مبتنی بر خرد جمعی از قانون‌نویسان می‌رود.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VII, No. 1

2008-1

Articles

- Improvement of Buy Back Contracts in Iran's Oil Industry
- UNSC Resolution 1835: Its Bases and Perspectives
- Exclusion Clauses in Personal Insurances
- Human Rights and Criminalization Holocaust Denial: Conflict or Compatibility?
- Nuclear Incident and Principles of Civil Liability
- Prohibition of the Use of Force and the South Ossetia Crisis

Special Issue: Legal Protection of Persons with Disabilities

- Change of Discourse: People with Disabilities and the Contemporary Human Rights
- Reflections on Iranian Comprehensive Code for Protection of the Disabled Persons
- The Right of Children with Disabilities to Education in Iran
- Mechanisms to Protect "The Right to Work" of Persons with Disabilities
- Protection of Persons with Disabilities in Armed Conflicts
- Reflections on Protection of the Rights of People with Disabilities in European Community
- European Court of Human Rights and Appropriate Prison for Persons with Disabilities

Critique: The Draft of Iranian Penal Code

- A Pathology of the Draft of Islamic Penal Code in the light of Speech Rationality
- The Place of Victim in the Draft of Islamic Penal Code
(A Victimological Analysis on Articles 111-1 to 166-2)
- Criminal Responsibility of Legal Persons in the Draft of Islamic Penal Code
- Some Reflections on Permission in *Qesas*

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study